



عزیزی، سیدمجتبی، ۱۳۵۸-

بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت /

مؤلف سیدمجتبی عزیزی.

مشخصات نشر: ۱۶۱ ص.

شابك: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۴۸-۰

موضوع: اسلام و دولت

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --- غیبت

موضوع: ولایت فقیه

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: BP۲۳۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۱۰۳۳۵



تألیف:

دکتر سید مجتبیٰ عزیزی (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام)





بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت

مؤلف: دکتر سید محبتی عزیزی

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

چاپ و صحافی: سپیدان

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۹۴۸-۰

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۴۰۰/۰۰۰ ریال

فروشگاه اینترنتی:

www.press.isu.ac.ir

E-mail: pub@isu.ac.ir

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی

| | |
|-----|--|
| ۹ | سخن ناشر..... |
| ۱۱ | پیشگفتار..... |
| ۱۵ | مقدمه..... |
| ۲۹ | فصل اول: تبیین نظریه تعطیل..... |
| ۴۱ | فصل دوم: مستندات نظریه تعطیل..... |
| ۷۳ | فصل سوم: نقد و رد دلایل و مستندات نظریه تعطیل..... |
| ۱۲۱ | فصل چهارم: بیان مستندات و دلایلی در نقد نظریه تعطیل..... |
| ۱۴۵ | نتیجه گیری..... |
| ۱۴۹ | فهرست منابع و مآخذ..... |
| ۱۵۷ | نمایه..... |

فهرست تفصیلی

| | |
|----|--|
| ۹ | سخن ناشر..... |
| ۱۱ | پیشگفتار..... |
| ۱۵ | مقدمه |
| ۱۵ | باورها و دیدگاه‌های اساسی..... |
| ۱۶ | اهداف یادگیری..... |
| ۱۷ | پیشینه موضوع..... |
| ۲۰ | معرفی محتوای اثر |
| ۲۴ | سازمان محتوا..... |
| ۲۵ | رابطه با دیگر دروس..... |
| ۲۷ | سخنی با دانشجویان..... |
| ۲۹ | فصل اول: تبیین نظریه تعطیل |
| ۲۹ | اهداف آموزشی فصل..... |
| ۲۹ | اهداف مقدماتی فصل..... |
| ۳۰ | سؤالات اساسی فصل..... |
| ۳۰ | مقدمه فصل..... |
| ۳۵ | تبیین نظریه تعطیل؛ بیان همدلانه..... |
| ۳۸ | جمع‌بندی..... |
| ۳۹ | خلاصه فصل..... |
| ۴۰ | سؤالات فصل..... |

۶ □ بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت

| | |
|---|-----|
| فصل دوم: مستندات نظریه تعطیل | ۴۱ |
| اهداف آموزشی فصل | ۴۲ |
| اهداف مقدماتی فصل | ۴۲ |
| سؤالات اساسی فصل | ۴۲ |
| مقدمه فصل | ۴۳ |
| مستندات اصلی نظریه تعطیل | ۴۴ |
| دسته اول: مجموعه احادیث «کل رایه» و احادیث ذیل آن | ۴۴ |
| دسته دوم: مجموعه احادیثی که می‌گوید مؤمن از غیر معصوم تبعیت نمی‌کند | ۵۵ |
| دسته سوم: استنادات قائلین به نظریه تعطیل به اقوال فقها | ۶۲ |
| جمع‌بندی | ۷۱ |
| خلاصه فصل | ۷۲ |
| سؤالات فصل | ۷۲ |
| فصل سوم: نقد و رد دلایل و مستندات نظریه تعطیل | ۷۳ |
| اهداف آموزشی فصل | ۷۴ |
| اهداف مقدماتی فصل | ۷۴ |
| سؤالات اساسی فصل | ۷۵ |
| مقدمه فصل | ۷۵ |
| رد مستندات نظریه تعطیل | ۷۶ |
| رد استناد نظریه تعطیل به مجموعه احادیث «کل رایه» | ۷۶ |
| احادیث کل رایه تخصیص خورده‌اند | ۷۷ |
| تشکیل حکومت توسط فقیه عادل تخصصاً خارج از موضوع احادیث کل رایه است | ۹۰ |
| جمع‌بندی | ۱۱۸ |
| خلاصه فصل | ۱۱۹ |
| سؤالات فصل | ۱۲۰ |

فهرست مطالب □ ۷

| | |
|---|-----|
| فصل چهارم: بیان مستندات و دلایلی در نقد نظریه تعطیل | ۱۲۱ |
| اهداف آموزشی فصل..... | ۱۲۲ |
| اهداف مقدماتی فصل..... | ۱۲۲ |
| سؤالات اساسی فصل..... | ۱۲۳ |
| مقدمه فصل..... | ۱۲۳ |
| ۱- گزارشی از ادله کلامی - عقلی اقامه شده بر ولایت فقیه..... | ۱۲۴ |
| تبیین آیت الله بروجردی از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۲۵ |
| تبیین فاضل مقداد از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۲۸ |
| تبیین صاحب مفتاح الکرامه از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۲۹ |
| تبیین امام خمینی (علیه السلام) از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۳۰ |
| تبیین آیت الله بهجت از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۳۲ |
| تبیین آیت الله جوادی آملی از دلیل کلامی - عقلی ولایت فقیه..... | ۱۳۴ |
| ۲- گزارشی از ادله نقلی اقامه شده بر ولایت فقیه..... | ۱۳۵ |
| ۳. گزارشی از آراء فقهای برجسته شیعه در مورد ولایت فقیه..... | ۱۴۱ |
| جمع بندی..... | ۱۴۳ |
| خلاصه فصل..... | ۱۴۴ |
| سؤالات فصل..... | ۱۴۴ |
| نتیجه گیری | ۱۴۵ |
| فهرست منابع و مآخذ | ۱۴۹ |
| نمایه | ۱۵۷ |

۸ □ بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت

فهرست جدول و نگاره‌ها

- جدول ۱: مروری بر آثار حکومت اسلامی و ولایت فقیه ۲۴
- نگاره ۱: ساختار محتوایی اثر ۲۵
- نگاره ۲: سه دسته اصلی مستندات نظریه تعطیل ۴۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل / آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چهارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون

توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

پیشگفتار

ولایت فقیه یک اندیشه پذیرفته شده از سوی علمای بزرگ شیعه در طول تاریخ بوده است. با وجود اختلافاتی که میان فقهای شیعه در میزان اختیارات و دامنه ولایت فقیه وجود داشته و دارد؛ اصل ولایت فقیه امری در حد اجماع و مورد تأیید قاطبه عالمان بزرگ شیعی است. تا حدی که از نظر امام خمینی (علیه السلام) ولایت فقیه از موضوعاتی است که نیازمند به برهان نیست و به تعبیر صریح ایشان: «ولایت فقیه از موضوعاتی است که تصور آنها موجب تصدیق می شود و چندان به برهان احتیاج ندارد. به این معنی که هرکس عقاید و احکام اسلام را، حتی اجمالاً دریافته باشد، چون به ولایت فقیه برسد و آن را به تصور آورد، بیدرنگ تصدیق خواهد کرد و آن را ضروری و بدیهی خواهد شناخت. اینکه امروز به ولایت فقیه چندان توجه نمی شود و احتیاج به استدلال پیدا کرده، علتش اوضاع اجتماعی مسلمانان عموماً و حوزه های علمیه خصوصاً، می باشد» (خمینی، ۱۳۷۸. الف: ۳). اهمیت و جایگاه حکومت در اسلام از منظر امام خمینی (علیه السلام) به حدی است که می نویسند: «بل یمكن أن یقال: الإسلام هو الحكومة بشؤونها والأحكام قوانین الإسلام و هی شأن من شؤونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض و امور آلیة لإجرائها و بسط العدالة، فکون الفقیه حصناً للإسلام کحصن سور المدينة لها، لا معنی له الا کونه والیا له نحو ما لرسول الله و للأئمة (علیهم السلام) من الولاية علی جمیع الأمور السلطانية» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۶۳۲) ترجمه: «بلکه می توان گفت که اسلام خود حکومت با همه شؤون آن است و احکام، قوانین اسلام هستند و شأنی از شؤون آن می باشند، بلکه احکام بالعرض مطلوب

هستند و ابزاری برای اجرای حکومت و بسط عدالت هستند، پس اینکه [در روایت شریف فرموده است] «فقیه دژ اسلام است، همان‌طور که دیوار شهر دژ آن است» معنایی نمی‌یابد جز اینکه فقیه والی و حاکم اسلام باشد همان‌طور که رسول اکرم و همه ائمه (علیهم‌السلام) بر همه امور حکومتی ولایت دارند». به عبارت ساده‌تر می‌توان بیان داشت که ولایت عامه (مطلقه) از نظر حضرت امام یعنی اینکه فقیه جامع‌الشرایط دارای همه اختیارات حکومتی پیامبر اکرم و امام معصوم است: «این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد ... اگر فرد لایقی که دارای این دو خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در امر اداره جامعه داشت دارا می‌باشد؛ و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم که اختیارات حکومتی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بیشتر از حضرت امیر (علیه‌السلام) بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (علیه‌السلام) بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از همه بیشتر است، لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد» (خمینی، ۱۳۷۸، الف: ۴۰). به عنوان تنها یک مثال از فقیهان قبل از امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، مرحوم محمد حسن نجفی مشهور به صاحب جواهر در کتاب معروف خود جواهر الکلام در باره ولایت فقیه قائل به وجوب آن و حتی امکان وجوب عینی آن بر یک فرد خاص است (نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۲: ۱۵۶).

بر همین اساس است که رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان می‌دارند: «این مسئله تشکیل حکومت در زمان غیبت از نظر علمای شیعه واجب بوده است، نه فقط جایز. یعنی علمای شیعه در شمار چیزهایی که همواره به آنها اعتقاد داشتند در طول زمان، لزوم بازگرداندن حاکمیت جامعه به محور الهی آن بود، که از نظر آنان این محور الهی فقیه بوده و این در حقیقت ادامه مبارزه سیاسی ائمه ما بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴: ۲۶۹).

البته اندیشه ولایت فقیه به خصوص پس از تشکیل آن مورد مخالفت و دشمنی‌های فراوانی از سوی مخالفان حضور اجتماعی دین و دشمنان حکومت دینی قرار گرفته است. اما در میان مخالفان حکومت اسلامی و ولایت فقیه، قائلین به تعطیل حکومت در عصر غیبت (که آراء ایشان موضوع نوشته حاضر است) وضعیتی متفاوت دارند. قائلین به این منظر هر چند به طور کلی و عام مخالف ایجاد حکومت اسلامی در دوره غیبت هستند، اما خود را تماماً پیرو مکتب اهل بیت معرفی می‌کنند و در مخالفت با

حکومت دینی به دلایلی به ظاهر دینی استناد می‌کنند. از این رو ماهیت استدلال‌های این دسته نیز کاملاً متفاوت با استدلال‌های سکولار سایر مخالفان حکومت اسلامی و استدلال‌هایی دینی و بر مبنای احادیث (و نظرات عالمان دینی) است.

استناد قائلان به تعطیل حکومت در عصر غیبت به روایات و ادله در ظاهر دینی دو تنگنای اساسی برای تمامی مسلمانان انقلابی و دلسوزان حاکمیت الهی ایجاد می‌کند. از یک سو، وجهه دینی سردمداران این منظر، در ظاهر مزیتی برای آنها ایجاد کرده و باعث می‌شود نقد و طرد موضع آن‌ها حساس‌تر و سخت‌تر شود چرا که مدعی آن هستند که مطالب و نظرات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) را بیان می‌دارند؛ و از سوی دیگر استدلال‌های دینی و حدیثی این گروه باعث می‌شود، احتمال اینکه بسیاری با هدف خیر و حقیقت‌جویی به این نظریه گرایش پیدا کنند افزایش یابد. این موارد باعث می‌شود طرح و نقد نظر قائلان به تعطیل حکومت اسلامی در دوران غیبت، در میان نظریات مختلف مخالف حکومت اسلامی که البته پاسخ به همه آن‌ها لازم و ضروری است، جایگاهی ویژه پیدا کرده و حیاتی و سر نوشت ساز گردد.

این عوامل مؤلف را بر آن داشته است تا در یک اثر تفصیلی، که خلاصه‌ای از آن پیش روی شماست، ابتدا به طرح و بیان همدلانه این نظر اقدام کرده و سپس نقد دقیق و مستند آن را در دستور کار خود قرار دهد.

واضح است، آشنایی با استدلال‌های قائلین به این نظر و توان پاسخگویی متقن به ادله آن‌ها، از ضروریات هر دانشجوی انقلابی علوم انسانی اسلامی است، که نگارش نسخه‌ای خلاصه از اثر تفصیلی مؤلف در این باب نیز برای پاسخ به همین نیاز بوده است. با این همه پژوهش پیشرو خالی از ضعف و کاستی نیست. از یک سو حامیان این نظر (به واسطه برخی ملاحظات سیاسی و غیره) از ارائه متن مکتوب و روشن از استدلال‌های خود به صورت یک کتاب تفصیلی و یا آثار علمی دیگر خودداری می‌کنند و تلاش‌های نظری آنان صرفاً در حد جلسات تبلیغاتی و سخنرانی‌های مذهبی پراکنده باقی مانده است. همین امر نقد نظرات آنها و حتی جمع‌بندی و ارائه یک صورت‌بندی جامع از آراء آنها را مشکل می‌سازد. از سوی دیگر، حجم فراوان مستندات حدیثی له و علیه این نظر، به حدی است که امکان طرح تمامی این مستندات در این کتاب مختصر ناممکن است. سرانجام، امید می‌رود این اثر بتواند

۱۴ □ بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت

روشنگر شبهات موجود در رابطه با حکومت اسلامی در دوران غیبت باشد، که غرض مؤلف نیز چیزی جز این نبوده است.

و ما توفقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب
سید مجتبیٰ عزیزی
(عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه السلام))
پاییز ۱۴۰۰

مقدمه

باورها و دیدگاه‌های اساسی

امکان طرح بحث تعطیل حکومت در دوران غیبت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) خود مستلزم پذیرفتن مفاهیمی اساسی است. به دیگر سخن دو سر نزاع تعطیل یا عدم تعطیل حکومت در دوران غیبت باید به مفاهیم و اعتقادات ذیل قائل باشند و تنها در چنان شرایطی است که بحث درباره نظریه تعطیل می‌تواند شکل بگیرد:

- رسول گرامی اسلام (ص) علاوه بر ولایت معنوی و نقش‌های متعدد دیگر نقش ولایت ظاهری را نیز به عهده داشتند و در زمان خودشان، حاکم مسلمین بودند. در صورتی که ولایت ظاهری یا ولاء زعامت رسول اعظم (ص) پذیرفته نشود، بحث از تعطیل حکومت در دوره غیبت و یا لزوم تشکیل حکومت در دوره غیبت بلامحل است.
- حضرت علی (ع) به عنوان امام مفترض الطاعه و وصی و وارث علم و جانشین پیامبر در شئون مختلف ایشان به نصب الهی و اعلام رسول اعظم (ص) تعیین شدند. از این رو حکومت و ولاء زعامت بر مسلمین نیز پس از رسول خدا (ص) به امیرالمؤمنین (ع) تعلق دارد.
- این جایگاه بعد از حضرت علی (ع) به ائمه معصومین، یعنی امامان شیعیان تعلق یافت و همه ائمه معصوم (ع) حق حکومت از جانب خدا و همانند حضرت علی (ع) داشته‌اند.

- امام دوازدهم حضرت حجت (علیه السلام) از آغاز امامت خویش در پرده غیبت قرار گرفته‌اند و این غیبت پس از یک دوره غیبت صغری به دوران غیبت کبری منتهی شده است. در دوران غیبت ولی عصر (علیه السلام)، بسیاری از نقش‌های رسول الله (صلی الله علیه و آله) چون ولایت معنوی همچنان بر عهده حضرت حضرت حجت بوده چرا که مستلزم حضور ظاهری در میان مردم نیست.
- امام در دوران غیبت منبع فیوضات معنوی و فواید فراوان برای شیعیان خویش هستند و چون خورشید پشت ابر برای مردم منافع فراوانی دارند، اما ایفای نقش ولایت ظاهری و حکومت بر مسلمین مستلزم ظهور در میان مردم است، لذا در دوران غیبت، آن حضرت نمی‌تواند عهده‌دار این نقش باشد.
- مواردی که در بالا ذکر شد، دیدگاه‌های مقدماتی برای امکان شکل‌گیری بحث در رابطه با نظریه تعطیل است. به دیگر سخن مخالفان و موافقان این نظریه هر دو به این موارد معتقد هستند. اما علاوه بر موارد فوق باید نکات زیر را نیز به عنوان برخی از ویژگی‌های دین اسلام که باید مورد توجه قرار گیرد، افزود.
- دین اسلام یک دین همیشگی است و لذا احکام آن برای دوران خاصی نیست و شریعت رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) تا برپایی قیامت، شریعت و دین مورد نظر خدای متعال است.
- اجرای احکام الهی مورد توجه و خواست شارع است و این احکام رفع و برداشته نشده است و چنین نیست که بتوان از اجرای احکام الهی که در دین اسلام تشریح شده است بدون وجود مانعی که عذر محسوب شود سر باز زد.
- دستورات مفصل اجتماعی دین اسلام (مانند جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و قضاوت و قصاص و دیه و مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم و...) نشان می‌دهد دین اسلام دینی با ابعاد جدی اجتماعی است.
- در بخش‌های بعدی علاوه بر اشاره به مستندات و ادله این دیدگاه‌ها متوجه خواهیم شد که این دیدگاه‌ها چگونه بر موضع نهایی این پژوهش اثرگذار بوده است.

اهداف یادگیری

این نوشته کوتاه که خلاصه‌ای از پژوهش تفصیلی در باب طرح و نقد نظریه تعطیل

حکومت در زمان غیبت امام معصوم است، به صورت هدفمند برای ایجاد دانش‌ها و توانایی‌های ذیل در مخاطب نگاشته شده است:

- آشنایی با وظیفه ولایت ظاهری و حکومت به عنوان یکی از وظایف امام معصوم
- تبیین کلی نظریات مختلف در رابطه با حق حکومت
- توان تبیین دقیق موضع قائلین به نظریه تعطیل حکومت
- توان تبیین استدلال‌های مختلف نظریه تعطیل
- آشنایی با نظر صحیح در رابطه با حق حکومت در دوران غیبت
- توانایی رد ادله‌ی قائلین به نظریه تعطیل با مراجعه به ادله
- توانایی ارائه ادله‌ای مستقل مبنی بر بطلان نظریه تعطیل حکومت

پیشینه موضوع

حکومت اسلامی اساسی‌ترین و چالش‌برانگیزترین موضوع مطرح در اندیشه اسلام است، تا جایی که منشأ دو انشعاب اصلی در میان مسلمین نیز به همین مسئله بازمی‌گردد. در این زمینه باید به جمله‌ای مشهور از شهرستانی، فقیه و مورخ اهل سنت و صاحب کتاب ملل و نحل اشاره کرد، وی می‌گوید: بزرگ‌ترین اختلاف بین امت، اختلاف درباره امامت بوده، چرا که درباره هیچ اصل دینی، به اندازه‌ای که همواره درباره امام شمشیر کشیده شده، در اسلام شمشیر کشیده نشده است (شهرستانی، ۱۹۷۲م، ج ۱: ۲۴). زیرا چنانکه می‌دانیم اختلاف اولیه میان شیعه و عامه بر سر جانشینی پیامبر اعظم (ﷺ) در امر حکومت رخ داد.^۱ حضرت علی (علیه السلام) نیز در شورای خلافتی که خلیفه دوم بیان داشت در این باره پیش‌بینی کرده بودند و در خطبه ۱۳۹ نهج‌البلاغه فرمودند که پس از این در امر خلافت شمشیرهای زیادی کشیده می‌شود و خون‌های زیادی ریخته خواهد شد.^۲

۱. البته باید خاطر نشان ساخت که اختلافات میان شیعه و عامه محدود به مسئله حکومت نیست و حتی حکومت بزرگ‌ترین اختلاف میان شیعه و عامه نیست. اما اختلاف بر سر مسئله حکومت آغاز و آشکار شد. سایر اختلافات نظری، کلامی، فقهی، اخلاقی و تاریخی به مرور زمان و برخی با گذشت چند دهه روشن گشت.

۲. عبارت حضرت چنین است: «عَسَى أَنْ تَرَوْا هَذَا الْأَمْرَ مِنْ بَعْدِ هَذَا الْيَوْمِ تُتَّصَفُ فِيهِ السُّيُوفُ وَ تُخَانُ فِيهِ الْعُهُودُ حَتَّى يَكُونَ بَعْضُكُمْ أَيْمَةً لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ وَ سَبِيْعَةً لِأَهْلِ الْجَهَالَةِ»؛ پس از این روز، خواهید دید که

صرف‌نظر از اختلاف اولیه میان شیعه و سنی، در هریک از این دو دسته نیز اختلافاتی در رابطه با حکومت اسلامی و ویژگی‌های حاکم و... وجود دارد. هر چند پرداختن به مواضع عامه در باب حکومت، خارج از محدوده‌ی این پژوهش است، اما باید اشاره داشت که سیر تحولات اندیشه سیاسی در میان اهل سنت در تطوری قهقرائی به آنجا منجر شد که همه ویژگی‌هایی که در حاکم شرط شده بود به کناری گذاشته شد، تا حدی که قائل شدند که خلافت رسول خدا و جانشینی او در امر حکومت برای هر کس که به زور بر مردم حاکم شود جایز است (ابن فرا، ۱۴۰۸ق: ۲۴). تا حدی که امروزه از تمامی ویژگی‌هایی که برای حاکم قائل بودند و تمامی آدابی که برای رسیدن حق حکومت به یک شخص لازم می‌دانستند عدول کرده و صراحتاً اعلام می‌کنند که هر کس توانست حکومت را به دست آورد، حق حکومت کردن دارد (حاتمی، ۱۳۸۴: ۲). تا حدی که امام اهل سنت، محمد غزالی می‌نویسد: «الحق لمن غلب و الحکم لمن غلب، نحن مع من غلب»؛ حق برای غلبه‌کننده است و حکومت هم به او تعلق دارد و ما هم پیرو حاکم غالب هستیم (غزالی، ۱۳۵۱: ۱۳۰).

البته آراء عالمان شیعی در زمینه حکومت بسیار منسجم‌تر و یکپارچه‌تر است. در رابطه با دوران حضور و ظهور ائمه معصوم، هیچ اختلاف نظر جدی در میان شیعیان در رابطه با حق حکومت و حاکم وجود ندارد و واضح است که شیعه امامیه حکومت را در آن زمان مختص ائمه هدی می‌داند. شیعیان معتقدند مشروعیت حکومت ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با نصب الهی است، یعنی خدای متعال است که حق حکومت را به امامان معصوم (علیهم‌السلام) واگذار کرده است و پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقش مبلغ را در این زمینه داشته‌اند. ولی در تحقق بخشیدن به حکومت ائمه (علیهم‌السلام) بیعت و همراهی مردم نقش اساسی داشته است، از این‌رو حضرت مولی‌المومنین امام علی (علیه‌السلام) با اینکه از سوی خدا به امامت و رهبری جامعه منصوب شده بود و حکومت ایشان مشروعیت داشت، ۲۵ سال از حکومت پرکنار بود، زیرا مردمی که در غدیر خم با ایشان بیعت کرده بودند به مقتضای بیعت خود عمل نکردند و پس از رحلت رسول اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

شمشیرها از غلاف کشیده شود و پیمان‌ها شکسته آید تا آنجا که بعضی از شما سرکرده گمراهان شوید و برخی دیگر از پیروان اهل جهالت.

حاضر به حمایت از حضرت علی (علیه السلام) در برابر غاصبان خلافت نشدند و ایشان نیز با توسل به زور حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکرد. در مورد دیگر ائمه نیز همین سخن درست است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۹).

اما باید توجه داشت که در هنگام بحث از حکومت در دوران غیبت این اتفاق نظر مطلق وجود ندارد. قاطبه علمای شیعه بر مبنای احادیث اهل بیت (علیهم السلام) حکومت را در این دوران حق عالم عادل می‌دانند، فقهای شیعه - به جز معدودی از فقهای معاصر - بر این باورند که در زمان غیبت، «فقیه» حق حاکمیت دارد و حکومت از سوی خدا به وسیله امامان معصوم (علیهم السلام) به فقها واگذار شده است. تا حدی که بسیاری از فقها در این زمینه ادعای اجماع کرده‌اند (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۴۲؛ همچنین نجفی، ۱۳۹۱، ج ۲۱: ۳۹۷). پس در زمان غیبت - مشروعیت حکومت از سوی خداست نه از سوی آرای مردم. نقش مردم در زمان غیبت فقط عینیت بخشیدن به حکومت است، نه مشروعیت بخشیدن به آن (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳۰). با این وجود در کم‌وکیف و چگونگی این حکومت و میزان اختیارات حاکم اسلامی در دوران غیبت و نقش مردم و خواست ایشان در تحقق این حکومت و با مشروعیت آن اختلاف نظرهایی وجود دارد. تا حدی که گاه نظریات دیگری چون سلطنت شیعی (پروفسور نصر) نیز در میان برخی اندیشمندان خارج از هسته اصلی علمای شیعه یافت می‌شود (دارابی، ۱۳۹۰).

در این میان آنچه موضوع متن حاضر است، یعنی نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت، به نوعی عجیب‌تر از تمامی نظریات مطرح شده در رابطه با حکومت اسلامی در دوران غیبت می‌باشد. روشن است که از منظر بسیاری از اندیشمندان سیاسی وجود جامعه‌ای بدون حاکم، نه تنها پسندیده نیست، بلکه اصلاً امکان‌پذیر نیست، چرا که کار جامعه (خواه مسلمان یا غیر مسلمان) بدون حکومت و حاکم سامان نمی‌یابد و از سوی دیگر اگر قائل به تعطیل حکومت حق در دوران غیبت باشیم به این معنی خواهد بود که صالحان از حکومت دوری کنند و مشخص است که اگر صالحان حکومت را رها کنند، حکومت طعمه ستمگران و سودجویان خواهد شد. اما از منظر اندیشمندان سیاسی همین حالت وجود یک حکومت ناصالح بهتر از نبود کلی حکومت است. بر همین اساس است که از سوی غالب اندیشمندان سیاسی چنین مطرح شده

است که حکومت ضرورت دارد و بدون آن جامعه اداره نمی‌شود. ضرورت وجود حکومت در زندگی اجتماعی بشر، آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و برهان ندارد (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۳۸). حکومتی که آزادی‌های فردی را در چهارچوب مصالح اجتماعی حفظ کند و در پرورش استعدادها بکوشد و مردم را به وظایف خود آشنا سازد و قوانین را اجرا کند. از این جهت اندیشمندان بزرگ جهان، مانند افلاطون، ارسطو، ابن خلدون و برخی دیگر وجود دولت را یک پدیده اجتناب‌ناپذیر تلقی کرده‌اند (ابن خلدون، ۱۳۷۴: ۴۱). در احادیث نیز روایاتی در باب ضرورت حکومت وجود دارد، که از این میان باید به عبارت مشهور «الْبَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»^۱ اشاره کرد (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). به هر روی نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت در چنین شرایط و با چنین پیش‌زمینه‌ای مطرح شده است، که در ادامه با سیر کلی استدلال‌های قائلین به این نظریه آشنا خواهیم شد.

معرفی محتوای اثر

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، از ویژگی‌های خاص نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت وجود احادیث و روایاتی است که در ظاهر مدعای قائلان به این نظر را

۱. متن کامل عبارت حضرت چنین است: «و من کلام له (ع) فی الخوارج لما سمع قولهم «لا حکم الا لله» قَالَ (ع) کَلِمَةً حَقَّ بَرَادُ بِهَا بَاطِلٌ، نَعَمْ إِنَّهُ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ، وَ لَکِنَّ هُوَ لَا یَقُولُونَ لَا إِمْرَةَ إِلَّا لِلَّهِ، وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ یَعْمَلُ فِی إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَ یَسْتَمْتِعُ فِیْهَا الْكَافِرُ وَ یَبْلُغُ اللَّهُ فِیْهَا الْأَجَلَ وَ یَجْمَعُ بِهِ الْقِیَءُ وَ یَقَاتِلُ بِهِ الْعُدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ یُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِیِّ حَتَّى یَسْتَرِیحَ بَرٌّ وَ یَسْتَرَاحَ مِنْ فَاجِرٍ، وَ فِی رِوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ (ع) لَمَّا سَمِعَ تَخْذِیْمَهُمْ قَالَ حُكْمَ اللَّهِ أَنْتَظِرُ فِیْكُمْ وَ قَالَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْبَرَّةُ فِیَعْمَلُ فِیْهَا النَّبِیُّ وَ أَمَّا الْإِمْرَةُ الْفَاجِرَةُ فِیَسْتَمْتِعُ فِیْهَا الشَّقِیُّ إِلَى أَنْ تَنْقَطِعَ مَدَّتُهُ وَ تُدْرِكُهُ مَبِیَّتُهُ؛ وَ قَدْ شَهِدْتُ أَنَّ خَوَارِجَ مِنْ قَوْلِهِمْ «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»، فَرَمُوا: سَخَنَ حَقُّی اسْتَخَفَّ بِهِنَّ أَنْ بَاطِلٌی خَوَاسْتَهُ شَدَّ، أَرَى، حُكْمَ جِزْءٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ، وَ لِسَى إِبْنَانٍ مِنْیْ گَویند که امارت و حکومت ویژه، خداوند است و بس، و حال آنکه، مردم را امیر و فرمانروایی باید، خواه نیکوکار و خواه بدکار، که مؤمن در سایه حکومت او به کار خود پردازد و کافر از زندگی خود تمتع گیرد تا زمان هر یک به سر آید، حق بیت‌المال مسلمانان گرد آورده شود و با دشمن پیکار کنند و راه‌ها امن گردد، و حق ضعیف را از قوی بستانند و نیکوکار بیاساید، و از شر بدکار آسوده ماند، در روایت دیگر آمده است، که چون سخن ایشان در باب حکمیت شنید فرمود: حکم خدا را درباره شما انتظار می‌کشم، در حکومتی که نیکان بر سر کار باشند، پرهیزگار به طاعت حق مشغول است، و در حکومت امیر ظالم، بدکردار از زندگی تمتع می‌جوید، تا زمان هر یک به پایان آید، و مرگش فرا رسد.

تأیید می‌کند. لذا در این اثر تلاش شده است صرف‌نظر از موضع‌نهایی و هدف‌غایی اثر که نقد این نظریه است، ابتدا به تفصیل به این احادیث پرداخته شود. از سوی دیگر، در بخش نقد این نظریه نیز احادیث فراوانی برای محتوای آن بخش مورد استفاده قرار گرفته است. این عوامل باعث شده است که محتوای اثر پیش رو بیش از هر چیز محتوایی حدیثی باشد. زیرا مستند و مبنای اصلی ادعاهای قائلان به نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت مباحثی حدیثی و مستند به روایات است. البته در بخش‌هایی متناسب با موضوع به شرح و تبیین اقوال فقها نیز پرداخته شده است و یا با توجه به سایر ادعاهای قائلان به نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت، از مباحث حدیثی فاصله گرفته شده و به اقتضای بحث به دیگر عرصه‌های علمی ورود شده است. از سوی دیگر باید توجه داشت که هر چند قائلان به نظریه تعطیل حکومت در زمان غیبت امام معصوم، به طور خاص استدلالی کلامی ارائه نمی‌کنند، اما با توجه به بعضی از استدلال‌های کلامی که به طور کلی علیه حکومت اسلامی ارائه شده است؛ در مواردی نیز لازم بوده است به بحث‌های کلامی پرداخته شود. علاوه بر این باید اشاره کرد، با توجه به مخاطب این اثر که دانشجویان علوم انسانی اسلامی هستند، تلاش شده است ارتباط این بحث با مسائل روز جامعه و اثر این بحث در سطح اجرایی نیز نشان داده شود. این امر باعث شده است، نویسنده در میان مباحث حدیثی کلامی خود، به بیان بعضی مسائل اجتماعی نیز بپردازد.

برای تبیین تفاوت‌ها و مزیت‌های این اثر نسبت به سایر کتاب‌های موجود، ابتدا شایسته است مروری بر دیگر آثار موجود در این عرصه داشته باشیم. پیش از همه لازم به تأکید است که تا کنون کتاب خاصی که به طور مجزا به تبیین نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم پرداخته باشد، نگاشته نشده است.

البته کتاب‌هایی که به بحث از انجمن حجّتی به عنوان یک سازمان اجتماعی و یک گروه سیاسی - فرهنگی پرداخته و یا به نقد عملکرد آنها ورود کرده‌اند به نوعی از جمله کتب مرتبط با این نوشته محسوب می‌شوند. اما باید توجه داشت که این کتاب‌ها به مباحث تاریخی و سیاسی و گرایش‌های فکری و سیاسی اعضای انجمن حجّتی و نقد آن پرداخته‌اند و به بحث از نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت ورود نکرده و یا از کنار آن عبور کرده‌اند.

به عنوان مثال در کتاب «در شناخت حزب قاعدین زمان؛ انجمن حجّتیّه؛ عمادالدین باقی، ۱۳۶۲، تهران: نشر دانش اسلامی» نویسنده با قلمی احساسی و متأثر از فضای پرشور ابتدای انقلاب به انجمن حجّتیّه تاخته است و فارغ از تندی قلم بخش قابل توجهی از انتقادات او به این انجمن وارد به نظر می‌رسد، اما این کتاب فاقد بررسی نظری و محتوایی، از جنسی که در متن حاضر به دنبال آن هستیم می‌باشد.

همچنین کتاب «درس‌نامه انجمن حجّتیّه، سیری در اندیشه‌ها و عملکردها، رضا اکبری آهنگر، ۱۳۹۴، تهران: طلوع حق» نیز به نقد عملکرد این انجمن در سال‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد و حاوی برخی مناظرات و مباحثات با حامیان این انجمن است. این کتاب «به چگونگی شکل‌گیری انجمن حجّتیّه و چند نکته از تأسیس و سال‌های آغازین و نقد و بررسی اساسنامه انجمن حجّتیّه و موضوعاتی همچون ارتباط انجمن با مراجع و دبیرستان علوی می‌پردازد و در بخش‌های میانی این کتاب موضوعات انجمن حجّتیّه و سال‌های آغازین نهضت امام، انجمن حجّتیّه در نیمه شعبان ۵۷، انجمن حجّتیّه و ساواک، انجمن حجّتیّه در جمهوری اسلامی، شهادت انجمن حجّتیّه و... بررسی می‌شود».

علاوه بر این در کتاب «بازشناسی مبانی فکری انجمن حجّتیّه، مرتضی فیروزآبادی، تهران: باشگاه اندیشه، ۱۳۸۴» به برخی مباحث تاریخی و نظرات انجمن حجّتیّه پرداخته شده است اما مبحث تعطیلی حکومت در عصر غیبت و ادله حدیثی و دیگر دلایل این انجمن در این زمینه به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. کتاب دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد «جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، سلمان علوی نیک، سید ضیاءالدین علیانسنب، تهران: وثوق، ۱۳۹۰» است که این کتاب نیز بررسی و نقد جریان‌شناختی و سیاسی عملکرد انجمن حجّتیّه پرداخته است.

همچنین در مقاله «جریان‌شناسی انجمن حجّتیّه، ابوالفضل صدقی، فصل‌نامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال ششم، شماره ۲۰، سال ۱۳۸۸، صص ۱۲۹-۱۶۸» به مباحث تاریخی و فعالیت‌های انجمن حجّتیّه در انقلاب اسلامی ایران و حضور یا عدم حضور این اندیشه در میان برخی از شخصیت‌های سیاسی ایرانی بعد از انقلاب اسلامی پرداخته شده است؛ که با آنچه متن حاضر به دنبال بررسی آن است متفاوت می‌باشد. در نهایت باید خاطر نشان کرد که مقاله «بررسی و نقد دلایل‌های کلامی نظریه

تعطیل حکومت، محمدعلی قاسمی، فصل‌نامه پژوهش و حوزه، سال (۱۳۸۱) به نوعی نزدیک‌ترین پژوهش موجود به تحقیق حاضر است که البته نویسنده در آن بر مباحث کلامی متمرکز شده است و با توجه به رویکرد و موضوع دقیق خود از مباحث تفصیلی حدیثی که در متن حاضر به آن پرداخته شده است فارغ می‌باشد.

با توجه به منابعی که ذکر شد باید توجه داشت که بحث از انجمن حجّیه به عنوان یک گروه یا سازمان سیاسی و مذهبی و بررسی نقاط قوت و ضعف آن به هیچ روی موضوع متن حاضر نیست و از این جهت متن حاضر بر خلاف منابعی که ذکر شد به مباحث تاریخی و جریان‌شناختی و سیاسی مربوط به انجمن حجّیه نخواهد پرداخت. به این ترتیب منابعی که در بالا ذکر شد و برخی از مطالب دیگر که از ذکر و ارجاع به آنها خودداری شد هر چند ربطی به پژوهش حاضر پیدا می‌کنند، اما سابقه‌ای برای موضوع مشخص این پژوهش محسوب نمی‌شوند. بر این اساس نکته قابل توجه در رابطه با این آثار عدم اختصاص آن‌ها به طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در زمان غیبت امام معصوم می‌باشد، این بحث یک بحث شیعی است و مستلزم پذیرش و پیش فرض گرفتن بسیاری از آموزه‌های مکتب تشیع است که به بسیاری از آنها در صفحات پیشین اشاره شد. در واقع در این‌گونه آثار علاوه بر مباحث سیاسی و اجتماعی فراوان و نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی، در بعد نظری تعطیل حکومت اسلامی بعد از رسول الله (ﷺ) مورد بحث قرار گرفته است و یا به طور کلی موضوع عدم ارتباط رسالت و حکومت در این اندیشه طرح و به نقد گذاشته می‌شود، که واضح است با نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم تفاوتی بنیادین دارد.

از سوی دیگر بحث از ولایت فقیه و یا حکومت اسلامی در عصر غیبت نیز به پژوهش حاضر مربوط می‌شود و همه کتاب‌های نوشته شده در این زمینه به نوعی با موضوع محوری پژوهش حاضر ارتباط پیدا می‌کنند. زیرا در عموم این کتاب‌ها بحث از ولایت فقیه یا حکومت اسلامی به عنوان شیوه‌ای از حکومت اسلامی در عصر غیبت است که در برابر نظر تعطیل حکومت در عصر غیبت قرار می‌گیرد. از سوی دیگر باید توجه داشت که تعداد کتاب‌ها و نوشته‌های تفصیلی در این زمینه بسیار زیاد است و تهیه فهرستی از مجموعه این کتب از حوصله بحث کنونی خارج است. از این‌رو در جدول ۱ نمایی کلی از برخی از این آثار ارائه شده است. شایان ذکر است از

آنجا که به طور مثال بیش از هفتاد جلد کتاب مستقل در زمینه ولایت فقیه نگاشته شده است (کتاب‌شناسی ولایت فقیه)، در جدول ذیل به معرفی بهترین و مناسب‌ترین این کتب برای دانشجویان پرداخته شده است.

جدول ۱: مروری بر آثار حکومت اسلامی و ولایت فقیه

| شماره | عنوان کتاب | منبع |
|-------|--|-------------------------|
| ۱ | ولایت فقیه | (خمینی، ۱۳۸۷) |
| ۲ | ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت | (جوادی آملی، ۱۳۹۱) |
| ۳ | مبانی فقهی حکومت اسلامی | (منتظری، ۱۳۶۷) |
| ۴ | نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه | (مصباح یزدی، ۱۳۸۲) |
| ۵ | چالش‌های فکری نظریه ولایت فقیه | (جعفر پیشه‌فرد، ۱۳۸۵) |
| ۶ | اندیشه سیاسی شیعه در عصر غیبت | (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۳) |
| ۷ | پیشینه تاریخی نظریه ولایت فقیه | (جهان بزرگی، ۱۳۸۵) |
| ۸ | اجتهاد، تقلید، ولایت فقیه | (وحیدی گلپایگانی، ۱۳۸۳) |
| ۹ | نهاد رهبری در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران | (نبی‌زاده اربابی، ۱۳۸۶) |
| ۱۰ | ولایت فقیه، مبانی، ادله و اختیارات | (هادوی تهرانی، ۱۳۸۵) |

پس از تبیین محتوای اثر پیش رو و بیان اجمالی جایگاه این نوشته در میان سایر آثار این عرصه شایسته است که به معرفی سازمان بحث در پژوهش حاضر پردازیم.

سازمان محتوا

در این اثر تلاش شده است به تفصیل تمامی مستندات حدیثی و سایر ادله قائلین به نظریه تعطیل (که در ادامه خواهید دید بر اساس استنباط‌ها و تفسیرهایی از بعضی فتاوی مراجع است) به صورت مستقیم و بدون دخل و تصرف نقل شود. در این راستا سازمان محتوای اثر حاضر به صورت زیر تدوین شده است:



نگاره ۱: ساختار محتوایی اثر

محتوای پژوهش حاضر به گونه‌ای طراحی و ارائه شده است که ابتدا تقریری روشن از نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت ارائه شود و در بخش بعد تلاش شده است که مستندات و ادله این نظر به نحو هر چه تفصیلی‌تر گردآوری و تبیین گردد. از سوی دیگر هنگام نقد این نظر ابتدا یکایک مستندات نظریه تعطیل مورد بحث و نقد قرار گرفته و نشان داده می‌شود که این مستندات - اغلب احادیث - نمی‌توانند شاهی بر مدعای تعطیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام معصوم باشند. پس از این، ادله مجزایی برای ضرورت حکومت اسلامی از منظر شارع بیان می‌شود. سرانجام تبیین خواهد شد که به طور کلی مستندات اصلی نظریه تعطیل بی‌ارتباط با مسئله حکومت اسلامی بوده و به بیان فنی، تخصصاً از موضوع خارج‌اند.

رابطه با دیگر دروس

عنوان طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم، با چندین عنوان مطرح دیگر در حوزه دروس معارفی ارتباط تنگاتنگی دارد. اول از همه باید به درس

۲۶ □ بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت

«مبانی حکومت اسلامی ولایت فقیه» اشاره کرد. واضح است در بحث حاضر یعنی نقد نظریه تعطیل، به طرح یکی از اندیشه‌های اصلی مخالف ولایت فقیه پرداخته شده است و مکمل درس ولایت فقیه است.

از سوی دیگر درس «مهدویت و تمدن جهانی اسلام» درس دیگری است که به صورت جدی با موضوع حاضر ارتباط پیدا می‌کند. از آنجا که قائلان به نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت تصور می‌کنند که تشکیل حکومت حق فقط در صلاحیت حضرت حجت (علیه السلام) است و همه حکومت‌های عصر غیبت را غاصب و جائز می‌دانند، محتوای این مبحث در موضوع درس مهدویت نیز مؤثر است. یکی از مسائل مورد بحث در درس مهدویت مسئله دوران غیبت و وظایف مسلمین در این دوران است. در عنوان حاضر نیز به یکی از اختلاف نظرهای اساسی در رابطه با شکل زندگی اجتماعی و حکومت در دوران غیبت پرداخته شده است.

در کنار این دو ارتباط اساسی، باید افزود عنوان طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت، با دروس دیگری نیز مرتبط است، که در ذیل صرفاً به عنوان این درس اشاره می‌شود.

- سیره و تاریخ تحلیلی معصومین
- کلیات تمدن اسلامی
- جریان‌شناسی سیاسی تاریخ معاصر
- متون روایی و نهج‌البلاغه (۱)
- متون روایی و نهج‌البلاغه (۲)
- اندیشه اسلامی

برای اهل تأمل

در قسمت پیشین ارتباط عنوان طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت اسلامی در عصر غیبت، با دو درس «مبانی حکومت اسلامی و ولایت فقیه» و «مهدویت و تمدن جهانی اسلام» به اختصار تبیین شد. همچنین مطرح شد که این عنوان با دروس دیگری نیز مرتبط است (که عنوان دروس در بالا ذکر شد). در رابطه با ارتباط هر یک از این دروس با عنوان نظریه تعطیل چه تبیینی می‌توانید ارائه دهید؟ این موضوع چه رابطه‌ای با رشته تحصیلی شما دارد و پذیرش و رد آن در علوم انسانی اسلامی رشته خاص شما چه تأثیری دارد.

.....

سخنی با دانشجویان

شاید عنوان طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم، عنوان زیاد جالبی برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی اسلامی نباشد، چراکه غالباً ارتباط این عنوان با رشته‌های تخصصی دانشجویان - از جمله رشته‌هایی که نسبتاً دورتر از عرصه‌های مرتبط‌تر با این عناوین هستند - در نگاه اول خودنمایی نخواهد کرد. هر چند می‌توان رابطه‌هایی میان بسیاری از رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی و این عنوان را مورد تبیین قرار داد، اما در این نوشته کوتاه بهتر است به موضوعی اشاره شود، که عمومیت داشته و بتواند برای تمامی دانشجویان با رشته‌های مختلف مفید باشد. در واقع بهتر است به این سؤال پاسخ دهیم که: عنوان طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت اسلامی در دوران غیبت، چه کمکی می‌تواند به دانشجویان علوم انسانی اسلامی - صرف‌نظر از رشته تخصصیشان - ارائه دهد؟

برای پاسخ به این سؤال کفایت به این نکته واضح اشاره کنیم که علوم انسانی و اجتماعی بیش از هر عرصه دیگری با زندگی اجتماعی انسان‌ها گره خورده است. در هر یک از رشته‌های مطرح علوم انسانی مانند سیاست، اقتصاد، حقوق، مدیریت و فرهنگ و ارتباطات، یکی از مسائلی اصلی شکل و شاکله کلی جامعه و نهادهای اصلی دخیل در شکل‌دهی به آن مطرح است که بررسی این نهادها و ساختارهای اصلی

جامعه بدون بررسی حکومت و رابطه آن با سایر نهادها و مردم ناقص است. لذا دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی نیز چه برای نظریه پردازی مطابق با نیازهای جامعه خود و چه برای اجرایی ساختن نظریات موجود در رشته‌های تخصصی‌شان، نیازمند آشنایی با مبنای حکومتی موجود در جامعه خود هستند. این در حالی است که اگر قرار باشد نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت پذیرفته شود، چنانکه نشان داده خواهد شد، همه جنبه‌های اجتماعی دین نیز به تبع آن به تعطیل کشیده شده و یا با معضلات و مشکلاتی لاینحل مواجه خواهند شد و آنگاه فقط نبود حکومت دینی نیست که مشکل می‌شود؛ بلکه اقتصاد اسلامی و مدیریت اسلامی و سیاست اسلامی و جامعه‌شناسی و فرهنگ اسلامی نیز دست‌خوش مشکلات جدی و اساسی می‌شود. از سوی دیگر، دانشجویی که بخواهد با اعتقاد و تعهد در یک نظام اسلامی خدمت کند و در عرصه‌های مختلف تولید علم یا اجرای دستاوردهای علمی به جامعه اسلامی خدمت نماید، به طور جدی و بیش از همه، نیازمند آگاهی از شبهات وارد به مبانی این نظام و پاسخ به آنهاست.

همه این موارد آشنایی دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی، خصوصاً دانشجویانی که به دنبال تولید علم اسلامی در رشته تخصصی خود هستند را با «طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم» لازم می‌سازد. البته واضح است، انتظار نمی‌رود که دانشجویان رشته‌های مختلف به تفصیل وارد این عرصه شده تا جایی که از عرصه‌های علمی و پژوهشی تخصص خود بازمانند. به همین منظور بوده است که گزارش اصلی این پژوهش که یک متن مفصل چند صد صفحه‌ای بوده است، خلاصه شده و این‌گونه به صورت کتابی مختصر در اختیار دانشجویان قرار گرفته است. برای استفاده بهینه از این دوره آموزشی بهتر است دانشجویان، علاوه بر مطالعه بخش بخش نوشته حاضر در طول ترم تحصیلی، به پیگیری مطالب مطرح شده در کلاس درسی نیز بپردازند. واضح است، این کتاب تنها خطوط کلی مباحث را در اختیار دانشجویان قرار داده است و لزوماً همه مطالب مطرح در کلاس‌ها را پوشش نمی‌دهد.

تبیین نظریه تعطیل

اهداف آموزشی فصل

در این فصل تلاش شده است بیانی همدلانه از نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت ارائه شود، تا بتوان در فصل‌های نهایی که به نقد این نظریه پرداخته می‌شود مطمئن بود که دچار خطا نشده و دقیقاً ادعای مطرح شده از سوی قائلان به این نظر را طرح و نقد کرده‌ایم. از این رو اهداف آموزشی این فصل به شرح ذیل است:

- توانایی تبیین نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم، به نحوی که مورد قبول پیروان اصلی این نظریه باشد.
- آشنایی با پیروان اصلی نظریه تعطیل و توان معرفی جایگاه علمی و فقهی آباء و بزرگان قائل به این نظریه.
- توان تبیین بستر و عرصه‌ای که بحث نظریه تعطیل حکومت در آن شکل گرفته است.
- فرازها و فرودهای پیروان نظریه تعطیل حکومت.

اهداف مقدماتی فصل

هر چند فصل حاضر اولین فصل از کتاب آموزشی طرح و نقد نظریه تعطیل حکومت در عصر غیبت است، اما به هر روی می‌توان موضوعاتی را به عنوان اهداف مقدماتی -

۳۰ □ بازخوانی انتقادی نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت

موضوعاتی که پیش از ورود به این فصل دانشجو باید با آنها آشنا باشد - این فصل برشمرده. شایان ذکر است، مطالعه دقیق مقدمه همین اثر می‌تواند تا میزان زیادی این اهداف را برآورده سازد. این موضوعات به شرح ذیل است:

- ویژگی(های) خاص قائلین به نظریه تعطیل در میان سایر مخالفان حکومت اسلامی
- باورها و دیدگاه‌هایی که باید دو طیف نزاع به آن قائل باشند تا بتوانند در رابطه با نظریه تعطیل حکومت بحث کنند.
- ارتباط نظریه تعطیل حکومت با دانشجویان علوم انسانی اسلامی

سؤالات اساسی فصل

در این فصل تلاش شده است تا برای سؤالات ذیل پاسخی ارائه شود؛ البته واضح است مطالب مطرح شده در این فصل محدود به پاسخ به این سؤالات نیست. از سوی دیگر باید اشاره کرد، در پایان این فصل نیز سؤالاتی نسبتاً جزئی‌تر از مطالب این فصل ارائه شده است:

- ۱- مرسوم‌ترین تبیین از نظریه تعطیل حکومت در دوران غیبت امام معصوم چیست؟
- ۲- نظریه تعطیل حکومت در نظریه تعطیل از سوی معتقدان به دین مطرح شده است یا از سوی مخالفان و یا غیر معتقدان به دین؟
- ۳- جایگاه علمی و فقهی آباء نظریه تعطیل حکومت در چه سطح و درجه‌ای است؟

مقدمه فصل

پیش از این ذکر شد که هدف فصل حاضر تبیینی همدلانه از نظریه تعطیل است. در این تبیین همدلانه تلاش خواهد شد که از ابتدا نگاهی نقادانه به این نظر نداشته و اندیشه‌ها و مواضع مخالف این نظریه، طرح و بحث نشود، البته باید توجه داشت که چون نظریه تعطیل از ابتدا به عنوان نقد و اعتراضی به نظریه ولایت فقیه مطرح شده است و خود به صورت مستقل طرح و بحث نشده و سابقه‌ای جدی در گذشته میان فقهای شیعه نداشته است؛ تبیین و طرح آن بدون توجه به نظریه ولایت فقیه مشکل به نظر می‌رسد.

از این‌رو، ابتدا به اجمال به گستره و جایگاه اندیشه ولایت فقیه در میان فقهای

شیعه می‌پردازیم تا زمینه بحث و جایگاه طرح نظریه تعطیل مشخص شود، اما تلاش می‌کنیم، تا این مسئله فقط در مقام بیان بستر محتوایی نظریه تعطیل باشد و به نقد پیش از بیان نظریه دچار نشویم. چنانکه در سازمان پژوهش در بخش قبل ذکر شد در فصل‌های انتهایی این اثر به تفصیل به نقد نظریه تعطیل پرداخته خواهد شد.

از این‌رو در ادامه به اختصار به جایگاه نظریه ولایت فقیه می‌پردازیم. پس از آن به هدف اصلی این فصل یعنی تبیین نظریه تعطیل پرداخته خواهد شد.

چنانکه در مقدمه این پژوهش ذکر شد تشیع از ابتدا با نگاهی خاص به مسئله حکومت شکل گرفت و با اعتقاد به حکومت انمه معصومین (علیهم‌السلام) از سایر فرق اسلامی متمایز شد. مسئله حکومت اسلامی و ولایت فقیه نیز از دیرباز در میان فقهای شیعه مطرح بوده است. به نحوی که می‌توان گفت سابقه نظری مسئله ولایت فقیه به درازای خود فقه است. اهمیت این مسئله در میان فقهای شیعه تا جایی بوده است که آنها به صرف فتوا و نظر دادن در این رابطه بسنده نکرده و در طول تاریخ هر جا فرصت می‌یافتند، دست به اقدام زده و تلاش می‌کردند عملاً حکومت اسلامی بر پایه ولایت فقیه بنیان‌گذاری کنند (در بخش‌های آتی تحقیق حاضر به اختصار در این باره به ارائه شواهد پرداخته شده است). البته با توجه به وضعیت شیعیان در دوران حضور و غیبت انمه معصومین و اقلیت و تحت فشار بودن شیعه در غالب دوران حضور خود، چنین فرصت‌هایی کمتر پیش آمده است (به هر روی در فصول آتی، در ذیل طرد مستندات قائلین به نظریه تعطیل به تفصیل به فقهای شیعه که اقدام به تشکیل حکومت اسلامی کرده‌اند، اشاره شده است).

از منظر شیعه حکومت‌هایی که از جانب امام معصوم نباشد طاغوت شناخته می‌شود و مسئله نهی از رجوع به قصاصات و سلاطین جور از ابتدای اسلام مطرح بوده است. چنانکه در قرآن کریم آمده است:

«أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء / آیه ۶۰).

«آیا ندیدی کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه (از کتاب‌های آسمانی که) بر تو و بر پیشینیان نازل شده، ایمان آورده‌اند، ولی می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت و

حکام باطل بروند؟! با اینکه به آنها دستور داده شده که به طاعت کافر شوند. اما شیطان می‌خواهد آنان را گمراه کند و به بیراهه‌های دور دستی بیفکند».

و نیز در قرآن کریم بیان شده است:

«فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ بِحَكْمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يَسْلَمُوا تَسْلِيمًا» (نساء / آیه ۶۵).

«پس چنین نیست (که آنها ایمان داشته باشند)، سوگند به پروردگارت که آنها ایمان نمی‌آورند تا آنگاه که تو را در آنچه میان خود اختلاف دارند داور سازند، سپس در نفس خویش هیچ تنگی و ناراحتی نسبت به آنچه تو حکم داده‌ای نیابند و کاملاً تسلیم گردند».

بر این اساس در میان مسلمین مسئله ممنوعیت مراجعه به طاعت و لزوم مراجعه به رسول اعظم (ﷺ) برای امر حکومت و قضاوت و رفع تخصصات مسلم و غیر قابل خدشه به نظر می‌رسد و در این میان فرقی میان شیعه و سنی نبوده است.

اما به نظر می‌رسد که بحث از تحقق ولایت فقها و اقدام ایشان بر تشکیل حکومت اسلامی به موازات افزایش جمعیت‌های شیعه و قدرت یافتن آنها در مناطقی از سرزمین‌های اسلامی افزایش یافته است. به نوعی که با فتح بغداد توسط مغولان (۶۵۶ قمری) و فروپاشی خلافت عباسی^۱ و افزایش گرایش به تشیع در ایران و به دنبال آن افزایش قدرت شیعیان در طول قرن‌های بعدی در اواخر هزاره اول هجری زمینه برای بسط جدی‌تر تفکر حکومت شیعی و ولایت فقیه فراهم‌تر شد. با غلبه مذهب تشیع بر ایران و گرایش عمومی مردم به تشیع این امر در ایران افزایش بیشتری یافت تا حدی برخی از علمای این دوران به عنوان کسانی که رسماً و علناً از حکومت اسلامی و شیعی دم زده و در مورد آن کتاب مستقل نگاشتند شناخته می‌شوند. شایان ذکر است که پس از انقلاب شکوهمند اسلامی نیز مسئله حکومت اسلامی جدی‌تر شد تا آنجائیکه تعداد کتبی که فقط در چند دهه بعد از انقلاب اسلامی در زمینه حکومت اسلامی نوشته شده است، ده‌ها و بلکه صدها برابر کتبی است که در طول کل تاریخ

۱. البته دستگاه خلافت به نوعی دیگر تداوم یافت اما غلبه آن بر مناطق مرکزی تحت حکومت سابق (غرب آسیا) کاهش جدی یافت و از این جهت زمینه برای بروز اندیشه‌های شیعی که تا پیش از آن به انواعی و در دوره‌هایی سرکوب می‌شد افزایش یافت.

اسلام در این باره نوشته شده است.^۱

بر این اساس باید توجه داشت که عدم طرح صریح و مستقل اندیشه ولایت فقیه در آثار علمای اولیه ناشی از مسئله‌ای اجتماعی بوده است و از این روست که مرحوم محقق کرکی (علی بن حسین بن عبدالعالی جبل عاملی معروف به محقق ثانی و متوفای ۹۴۰ق) که در دورانی می‌زیستند که علنی کردن اندیشه ولایت فقیه با مشکلی مواجه نبوده است در این باره می‌نویسند:

«اتفق أصحابنا رضوان الله عليهم على أن الفقيه العدل الإمامي الجامع لشرائط الفتوى، المعبر عنه بالمجتهد في الأحكام الشرعية نائب من قبل أئمة الهدى صلوات الله وسلامه عليهم في حال الغيبة في جميع ما للنيابة فيه مدخل وربما استثنى الاصحاب القتل و الحدود مطلقا - فيجب التحاكم اليه و الانقياد الي حكمه» (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۴۲).

«فقهائ ما (شیعیان) که رضوان خدا بر آنها باد، اتفاق نظر دارند بر اینکه فقیه عادل شیعه جامع شرایط فتوا که از او به مجتهد در استنباط احکام شرعی تعبیر می‌شود، در زمان غیبت، از طرف امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیابت دارد تا تمام اموری که در آنها امکان نیابت وجود دارد را بر عهده گیرد - و گاه برخی از فقهای ما کشتن و اجرای حدود را استثنی کرده‌اند - پس رجوع به فقیه جامع شرایط و تبعیت از حکم او واجب است».

عبارت محقق کرکی که می‌فرماید (اتفق اصحابنا) به معنی اجماعی بودن این مسئله از نظر ایشان است. ایشان همچنین در این باره می‌نویسد:

«فان الفقيه المأمون الجامع لشرائط الفتوى منصوب من قبل الامام و لهذا تمضي احكامه و تجب مساعدته على اقامه الحدود و القضاء بين الناس... لان الفقيه منصوب من قبلهم (علیهم‌السلام) حاكماً كما نطقت به الاخبار» (محقق کرکی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۴۳).

«زیرا فقیه امین جامع شرایط فتوا از جانب امام معصوم منصوب شده است و از این

۱. مطابق یک گردآوری صورت گرفته توسط مؤلف بالغ بر ۳۰۰ کتاب در این زمینه بعد از انقلاب نوشته شده است.